

مسئولیت مدنی دولت در قبال تورم منفی

میترا شریعت‌زاده،^۱ عباس عرب خزاییلی،^۲ سید عسگری حسینی مقدم^۳

پذیرش مقاله: 1399/10/09

دریافت مقاله: 1399/10/07

چکیده

حقوق همه شهروندان محترم بوده و برای خسارت‌زندگان به آن، مسئولیت جبران قرار داده‌اند. منابع فقهی و حقوقی، مسئولیت مدنی را برای افرادی برشمرده‌اند که با سه شرط بروز خسارت، رابطه سببیت و تقصیر، موجب اضرار به دیگران شده‌اند. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی، درصدد پاسخ به این پرسش است که مسئولیت مدنی دولت از نظر تورم منفی در جامعه به چه صورت است؟ هدف پژوهش آن است که ادله فقهی مرتبط با این مسئولیت تشریح شود. نتیجه اینکه چون بخشی از تورم منفی به واسطه کنترل ناموفق تورم مثبت بوده و به تحریم‌ها و جنگ اقتصادی غرب علیه ایران مرتبط است، سیاست مقابله با نظام سلطه در سطح کلان توسط حکومت اسلامی اتخاذ شده است که به موجب قواعد فقهی نفی سبیل و احسان، صحیح شمرده شده و از این نظر مسئولیتی متوجه دولت و حکومت نیست، اما گاه به دلیل اقدامات اجرایی نامناسب همچون فقدان نظارت بر سیاست‌های پولی، وابستگی اقتصاد کشور به درآمد نفتی، فرهنگ غلط اقتصادی و غیره رابطه سببیت بین اقدامات دولت با تورم منفی در برهه‌هایی از زمان موجب خسارت به صنوف سرمایه‌ای شده است. تقصیر دولت در انجام برخی وظایف خود مشهود بوده و به سبب خسارت واردشده به شهروندان، دولت مسئولیت مدنی دارد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، تورم منفی، دولت، حکومت اسلامی.

1. دانشجوی دکتری رشته الهیات، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
2. استادیار، گروه الهیات، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران / a.arabkh@iausari.ac.ir (نویسنده مسئول)
3. استادیار، گروه الهیات، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مقدمه

در چند دهه گذشته، ارزش پول ملی کشورمان به شدت افت کرده است و ریال که زمانی یکی از باارزش‌ترین ارزهای جهان بود، امروزه به پایین‌ترین حد خود تنزل کرده است. اگر به سیر تحولی تغییرات ارزش پول ملی طی پنج دهه گذشته نگریسته شود، کاهش دردناک ارزش ریال انکارناشدنی است؛ اما اگر در برهه‌های مختلف به ارزش پول نگاه کنیم، شاهد تغییرات مثبت یا منفی ارزش پول خواهیم بود که نشان از نوسان‌های نامتعادل در بازار ارز است. هرچند در مجموع، تورم مثبت موجب خسارت‌های سنگین به اقتصاد کشور شده است، اما نمی‌توان از تورم منفی غافل شد که معمولاً دولت با هدف از بین بردن حباب قیمت‌ها انجام داده و نتیجه آن کاهش موقتی قیمت‌هاست و ممکن است سبب ورشکستگی کسب‌وکارهای زیادی شود.

کشور ما هم از بابت تورم مثبت و هم تورم منفی، زیان دیده است و دولت‌ها در دوره‌های گوناگون نتوانسته‌اند ثبات مناسبی به ارزش ریال ببخشند. دغدغه دولتمردان در اقصی نقاط جهان، حفظ ثبات ارزش پول ملی است و تغییر ناگهانی در این ارزش (مثبت یا منفی) را به زیان خود می‌بینند. به عقیده اقتصاددان‌ها، تورم منفی آثار مخرب‌تری نسبت به تورم مثبت دارد. از دیدگاه فقه اسلامی، دولت که مسئولیت امور اجرایی کشور را عهده‌دار است، به موجب قاعده ضمان، مسئولیت حفاظت از اموال مردم را نیز عهده‌دار است. طبیعی است تغییرات ناگهانی در ارزش پول ملی می‌تواند به زیان مالی عده‌ای بیانجامد؛ از این رو دولت در این باره مسئولیت شرعی دارد. از دیدگاه حقوقی نیز به موجب اصولی از قانون اساسی، مسئولیت حفظ ثبات اقتصادی بر عهده دولت بوده و نسبت به زیان‌کنندگان مالی، مسئولیت مدنی دارد. بحث در مورد مسئولیت مدنی بسیار گسترده است و به دعاوی خصوصی بازمی‌گردد. اگر دولت نهادی با شخصیت حقوقی در نظر گرفته شود، در مورد زیان افراد از بابت تورم مسئولیت خواهد داشت. در این پژوهش، این مسئولیت در مورد تورم منفی بررسی شده است.

1. مسئولیت مدنی

مسئولیت در لغت به معنای عهده‌داری و وظایف، اعمال، و افعال شدن و سرپرستی (عمید، 1391: 58)، مترادف تکلیف، کار، نقش، وظیفه، تعهد، رسالت، مأموریت، معادل پاسخ‌دهی، پاسخ‌گویی، سرپرست

(معین، 1391: 43) و همچنین در جای دیگر، پاسخ‌دهی، پاسخ‌گویی، سرپرست (دهخدا، 1391: 142) آمده است. بسیاری از بحث‌ها دربارهٔ اصول و مبانی مسئولیت‌های حقوقی و مسئولیت اخلاقی بر مبنای واژه «مسئولیت» قرار داده شده است. مسئولیت واژه‌ای عربی و به معنای پاسخ‌گوبودن است (شعبانی، 1390: 12).

واژه‌های حقوق تطبیقی و مسئولیت در حقوق روم و حقوق قدیم فرانسه وجود نداشته است. این کلمات در آثار گروسوس¹ و دوما² نیز که متن ماده 1382 قانون مدنی فرانسه منسوب به آنهاست، به کار رفته است. آنان از «تعهد به جبران خسارت» استفاده کرده‌اند و حتی در قوانین مدنی 1804 و جزای 1810 فرانسه این کلمه یافت نمی‌شود (حنیفه‌نژاد و چهره‌نژاد، 1395: 39).

در حقوق کامن‌لا³، مسئولیت با نام‌هایی از جمله مسئولیت دولت به کار رفته است و هر فرد را مسئول عملکرد خویش دانسته‌اند. در حال حاضر مسئولیت در مسائل اجتماعی کاربرد ویژه‌ای دارد. در واقع تکالیف قرارداده‌شده بر دوش هر فرد، برای وی مسئولیت ایجاد کرده است که در صورت اجرانشدن صحیح، در مورد آن مسئول است. در علم حقوق، مسئولیت در دو نوع مدنی و کیفری مورد بحث است. به هر سو، اگر شخصی به واسطه عملش، نتیجه‌ای منفی و نامطلوب حاصل شود، مسئول آن خواهد بود. اهمیت مسئولیت‌پذیری بدان جاست که پس از پایان دوره ابتدایی، دروس اجتماعی فرایند آموزش مسئولیت‌پذیری را آغاز می‌کنند و به دانش‌آموزان می‌آموزند که باید در برابر مسئولیت‌های پذیرفته شده، پاسخ‌گو باشند (جمالیان، 1395: 43).

لزوم زندگی در آرامش به وضع قوانین اجتماعی منجر شده است که مسئولیت‌های اجتماعی را برای افراد تبیین کرده است. این چنین است که مسئولیت مدنی بر پایه مسائل اجتماعی و سپس مسائل حقوقی مطرح شد و بدین‌صورت در حقوق نوشته و حقوق عرفی جای گرفت. همان‌طور که بیان شد، در علم حقوق، دو رکن مسئولیت وجود دارد که شامل مسئولیت کیفری و مدنی است. با توجه به محوریت موضوع تحقیق حول مسئولیت مدنی، تنها به تعریف این نوع مسئولیت بسنده شده است. به زبان ساده، مسئولیت مدنی به معنای دینی است که به واسطه عمل یک فرد بر دیگری باقی‌مانده و ملزم به جبران آن است. به موجب شرع مقدس اسلام، هیچ‌کس مجاز به تجاوز به حقوق افراد نیست و از

1. Grotius
2. Dumas
3. Common Law

این بابت، مستوجب مسئولیت‌های مدنی و کیفری است. در حوزه حقوق خصوصی، خسارت وارد شده به شخص یا اشخاص، مستوجب مسئولیت مدنی است و شخص واردکننده خسارت، باید پاسخ‌گو باشد. در بُعد کیفری، معمولاً شخص از بابت عمل خود نسبت به جامعه و عموم مدیون است که مجازات‌های کیفری برای آن برشمرده‌اند، اما برای مسئولیت مدنی، جبران خسارت معمولاً به صورت مالی و دیگر مسائل غیرجزایی پیش‌بینی شده است (بهادرانی، 1390: 32).

1-1. مبنای فقهی

مبانی مسئولیت مدنی در فقه اسلامی شامل قواعدی همچون لاضرر، اتلاف و تسبیب، ضمان ید و ضمان غرور است که در زیر به اختصار به آن پرداخته شده است.

1-1-1. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یا نفی ضرر از مهم‌ترین قواعد فقهی اسلام و از مبانی مهم مسئولیت مدنی در حقوق اسلام است. مبنای بسیاری از اختیارات مثل خیار غبن و عیب و همچنین حق شفعه نیز از قاعده لاضرر استنتاج شده است. قاعده لاضرر از حدیث نبوی «لاضرر و لاضرار علی المؤمنین» برگرفته شده است. این روایت از پیامبر اکرم (ص) است که به ثمره ابن جندب فرمودند. البته در احادیث دیگری از جمله روایت عقبه بن خالد از امام صادق (ع) نیز به این امر اشاره شده است که در آن امام، قضاوت پیامبر درباره حق شفعه را بیان می‌کنند که پیامبر (ص) بین شرکا حکم شفعه کرد و فرمود لا ضرر و لا ضرار. در روایت دیگری از عقبه ابن خالد از امام صادق (ع) قضاوت پیامبر درباره آبیاری نخلستان‌ها بیان شده است که حضرت دستور می‌دهد کسانی که باغشان را آبیاری می‌کردند، آب را حبس نکنند و آنگاه فرمودند لاضرر و لاضرار (شوکانی، 1356 ق: 294).

علاوه بر احادیث در آیاتی از قرآن نیز بر نفی ضرر در اسلام تأکید شده است مانند آیه 231 سوره بقره. همچنین در آیه 286 این سوره که به آیه دین نیز معروف است، از ضرر نهی شده است و می‌فرماید صاحب دین نباید به کاتب و نویسنده ضرر برساند. در آیه «ولا تضار والده بولدها» خداوند متعال والدین را از ضرر رساندن به یکدیگر و فرزندان خود نهی می‌کند.

شارع مقدس با این حکم افراد را ملزم به جبران ضرر کرده است؛ یعنی هرکس که موجب ضرر نسبت به غیر شود باید آن را جبران کند. در نظر شارع موردی نیست که کسی به دیگری ضرر

برساند و ملزم به جبران آن نباشد؛ به تعبیری در اسلام ضرر تدارک‌نشده یا غیرمدارک که به جبران آن ترتیب داده نشود، وجود ندارد (اصفهانی، 1374 ق: 76).

بحث در مورد قاعده لاضرر بسیار وسیع و خارج از پژوهش کنونی است. با بیان مطالب مختصر بیان‌شده، چنین برداشت می‌شود که هیچ‌کس حق اضرار به دیگری را ندارد. در صورتی که ضرری از ناحیه فردی خاص به دیگری وارد شد، زیان‌کننده مسئول و ملزم به جبران خسارت است که این تعریف، همان تعریف مسئولیت مدنی است.

1-1-2. قاعده اتلاف

این قاعده از جمله مشهور «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» گرفته شده است که حاکی از مسئولیت تلف‌کننده مال است. همچنین در جمله معروف دیگری آمده است: «علی الید ما أخذت حتی تؤدیة» که از مبانی این قاعده فقهی هستند و به صورت گسترده در نصوص فقهی به کار رفته‌اند. قاعده اتلاف از گذشته مورد توجه فقها و حقوق‌دانان بوده است و در موارد فراوانی، این اتلاف را موجب ضامن‌بودن شخص دانسته‌اند. برای مثال از این قاعده برای اثبات مسئولیت در طبقات جانی و جراحات و مسئولیت طبیب حجام و غیره استفاده کرده‌اند (طباطبایی، 1390: 543).

یکی از قواعد اساسی در مسئولیت مدنی قاعده اتلاف است و منظور از آن به طور خلاصه این است که هرگاه کسی مال دیگری یا منافع مترتب بر آن را بدون اذن صاحبش تلف کند، در برابر صاحب آن ضامن به مسئول خواهد بود.

1-1-3. قاعده علی الید (ضمان قهری)

ید غالباً در معنای مجازی به معنی استیلا و تسلط به کار می‌رود. از دیگر قواعد فقهی در زمینه ضمان قهری، قاعده علی الید یا ضمان ید است. به موجب این قاعده هرکس بدون اجازه بر مال دیگری تسلط پیدا کند، ضامن آن مال محسوب می‌شود، هرچند آن مال تلف نشود. برای مثال، اگر کسی اتومبیل متعلق به دیگری را برداشته و سوار شود، ضامن است که آن را در همان وضعیت به صاحبش برگرداند. بر مبنای این قاعده هرکس بر مال دیگری استیلا یابد، ضامن نقص و تلف آن است و این مسئولیت هم شامل حکم تکلیفی و هم دربرگیرنده حکم وضعی است. پس اگر کسی بر مال دیگری ید پیدا کند، باید زمانی که عین مال موجود است، آن را به صاحبش برگرداند و در صورت تلف شدن

مال باید مثل یا قیمت آن را بدهد (غروی نایینی، 1401 ق: 285). مهم‌ترین مدرک این قاعده روایت نبوی شریف است که فرمود: «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه». علمای شیعه این حدیث را در کتب روایی خود مطرح نکرده‌اند و فقط اهل سنت آن را از طریق حسن بصری و او از سمره بن جندب و او از پیامبر(ص) روایت کرده است.

4-1-1. احسان

یکی از مسقطات ضمان قهری، احسان است؛ بدین معنی که هرگاه شخصی به انگیزه خدمت و احسان موجب ورود ضرر به دیگری شود، به استناد قاعده احسان مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد و ضامن محسوب نمی‌شود. کسی که عمل خسارت‌باری انجام می‌دهد، در صورت ورود خسارت به دیگری ضامن است. برای مثال، اگر ولی یا قیم عملی انجام دهد که موجب ورود خسارت به صغیر شود، طبق اصل اولی ضامن خواهد بود؛ ولی بنا بر مفاد این قاعده، اگر این عمل با حسن نیت و با اعتقاد به اینکه موجب خیر صغیر است، انجام شده باشد و به طور اتفاقی موجب زیان شود، ضامن‌آور نیست (علامه حلی، 1414 ق: 763). برای نمونه، اگر قیم یا ولی اقدام به انتقال کالای متعلق به صغیر از طریق کشتی کند و به طور اتفاقی کشتی در دریا غرق شود، این عمل ضامن‌آور نیست؛ زیرا از روی احسان بوده و غرق، سرقت و امثال آن امور اتفاقی محسوب می‌شود. مفاد قاعده در این حالت این است که اگر عمل محسنانه منجر به ورود زیان شود، ضمانی بر عهده اقدام‌کننده نیست. برای مثال، اگر شخصی در اتاقی محبوس شود و در معرض تلف قرار گیرد و دیگران برای نجاتش در را بشکنند، از نظر منطق عقلا، افراد اقدام‌کننده ضامن محسوب نمی‌شوند؛ زیرا آنان به قصد خدمت و احسان اقدام به تخریب کرده‌اند و عمل‌شان ناشی از قصد ایجاد خسارت نبوده است (فخر المحققین، 760 ق: 54).

5-1-1. استیمان

استیمان عبارت است از اذن مالک یا شارع در گرفتن مال یا در تصرف مال برای مصلحت مالک نه برای مصلحت گیرنده یا هر دوی آن‌ها. این قاعده بیان می‌دارد امین ضامن نیست، مگر در صورت تعدی و تفریط. مثلاً مستأجر در عقد اجاره، وکیل در عقد وکالت و مستعیر در عقد عاریه، از آن جهت که امین محسوب می‌شوند، چنانچه نسبت به ناقص یا تلف شدن کالایی که از طرف مقابل در اختیار آن‌هاست، مرتکب تقصیر (تعدی و تفریط) نشده باشند، ضامن نیستند (محقق حلی، 1391: 321).

2-1. مبنای حقوقی

قانون‌گذار کشور ما مبحث مسئولیت مدنی را در قوانین مختلفی بیان کرده است که معروف‌ترین آن‌ها «قانون مدنی» و «قانون مسئولیت مدنی» است. این قوانین حاوی صریح‌ترین مواد قانونی در مورد مسئولیت مدنی هستند. قانون مسئولیت مدنی مشتمل بر شانزده ماده در سال 1339، به تصویب مجلسین رسیده و هم‌اکنون نیز از مهم‌ترین منابع حقوقی مرتبط با مسئولیت مدنی به شمار می‌آید. به موجب این منبع حقوقی، شخصی که مسئول ورود خسارت (مادی یا معنوی) شناخته شود، ملزم به جبران آن است که کیفیت آن توسط دادگاه مشخص می‌شود.

2. مسئولیت اقتصادی دولت

قانون اساسی به‌عنوان قانون مادر، شرح وظایف مسئولان ارشد کشور را مشخص کرده است. دولت مسئولیت‌هایی حقوقی در اقتصاد کشور دارد که اجرانشدن صحیح آن برای دولت مستوجب مسئولیت مدنی است. به موجب بندهایی از اصل سوم قانون اساسی، دولت در ارتقای وضعیت معیشتی شهروندان مسئول است. وظیفه قوه مقننه در این مورد نیز آشکار است. به موجب اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم تمامی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. در حال حاضر مجلس شورای اسلامی از اختیارات قانونی خود در جهت بهبود وضعیت معیشتی شهروندان استفاده می‌کند. این اقدامات شامل نظارت بر فعالیت دولت و در صورت لزوم، انتقاد از آن است. اختیار استیضاح وزرا و خود رییس‌جمهور به موجب قانون اساسی به مجلس سپرده شده است و این مسئله باید محرکی بر عملکرد مناسب دولت باشد. در اینجا نیاز است قوای مقننه و مجریه در راستای بهبود وضعیت اقتصادی کشور همکاری لازم را داشته باشند و گزارش‌های مستمری را در این باره به مردم اعلام کنند.

به موجب اصل بیست‌وهشتم قانون اساسی: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز

مشاغل ایجاد کند». در تفسیر این قانون و تعمیم آن به قوانین جزئی، چنین آمده است که دولت باید در جهت تسهیل کسب و کارها اقدام کند. انتقادهای طولانی بودن فرایند صدور مجوزهای کسب و کار زیاد است؛ هرچند امروزه تا حدودی از این مشکلات کاسته شده است.

به موجب اصل چهل و سوم: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

1. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛

2. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کار هستند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هریک از مراحل رشد صورت گیرد؛

3. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛

4. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری. منع اصرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معامله‌های باطل و حرام؛

5. منع اسراف و تحذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات؛

6. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛

7. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛

8. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند».

بر این اساس، دولت موظف است با همکاری دیگر قوا، از امکانات خود در جهت توسعه

اقتصادی بهره‌بردار. در صورت عمل‌نکردن به این وظایف، مسئولیت مدنی دولت محرز است و ضمانت‌اجرای آن، قوای مقننه و قضاییه هستند. اختیار استیضاح رئیس‌جمهور توسط مجلس شورای اسلامی و رسیدگی به تخلفات وی در دیوان عالی کشور، نشان از ضمانت حقوقی برای مسئولیت مدنی دولت دارد و استقلال قوا از یکدیگر، زمینه اجرای این ضمانت را فراهم می‌آورد.

3. تورم منفی

در صورتی که نسبت اجناس بازار به پول چاپ‌شده به صورتی تغییر کند که سطح عمومی قیمت‌ها کاهش یابد، تورم منفی در جامعه به وجود خواهد آمد. این مورد با کاهش تورم متفاوت است. در تورم منفی، ارزش پول افزایش می‌یابد و درعین حال ارزش کالاها کاهش می‌یابد؛ یعنی یک نفر می‌تواند در طول زمان با مقدار ثابتی پول، کالای بیشتری خریداری کند. معمولاً به علتی از جمله افزایش تولیدات و فقدان نظارت دقیق بر این موضوع، تورم منفی شکل می‌گیرد (نیکخو امیری، 1394: 454).

از دیدگاه اقتصادی، تورم منفی مشکلی در اقتصاد مدرن محسوب می‌شود، زیرا نتیجه آن می‌تواند به رکودی ختم شود که از آثار تورم مثبت خطرناک‌تر است. تجربه‌های مشابه اثبات کرده است که تورم‌های منفی لزوماً با دوره‌های رشد ضعیف اقتصادی مرتبط نیستند. برای مثال در قرن نوزدهم میلادی و پیش از تأسیس سیستم فدرال رزرو و مدیریت فعال آن در مسائل پولی، کشور آمریکا درگیر تورم منفی بود و البته در زمان جنگ‌های داخلی و پیشرفت‌های خود، این قضیه استثنا قلمداد می‌شد. نمونه قابل‌توجه این موضوع بحران تورم منفی در سال‌های 1837-1844 در ایالات متحده است (نیکخو امیری، 1394: 43).

هرچند پدیده تورم منفی به‌ندرت اتفاق می‌افتد، اما به‌رحال آثار اقتصادی به همراه دارد؛ از این رو چند نمونه خاص در این حوزه بررسی شده است. گفتنی است نمونه‌های موجود تنها به درصد‌های اندک از تورم منفی مرتبط بوده و درصد‌های بسیار بالا از جمله مقدار دورقمی آن تاکنون مشاهده نشده است. متأثر از بحران مالی که در کشورهای آسیایی در سال‌های پیش از 1997 وجود داشت، هنگ‌کنگ تا سال 2004 طعم تورم منفی را می‌چشید و واحد پول آن با نام دلار هنگ‌کنگ، دچار کاهش ارزش شده بود. دلار هنگ‌کنگ نسبت به دلار آمریکا قیمت ثابتی داشت و دچار کاهش ارزش بر اساس تورم منفی قیمت کالاهای مصرفی شد. این شرایط با صادرات روزافزون ارزان‌قیمت به چین و اعتماد

ضعیف مصرف‌کننده در هنگ‌کنگ، تشدید شد و تورم منفی به همراه آورد. بدین ترتیب رکود اقتصادی هنگ‌کنگ نسبت به کشورهای همسایه که ارزش ارزی‌شان را در بحران مالی آسیا کاهش دادند، طولانی‌تر و شدیدتر شد (نیکخو امیری، 1394: 48).

اداره مرکزی آمار ایرلند جنوبی در فوریه 2009 اعلام کرد این کشور در ژانویه 2009 با نرخ کاهش قیمت 0/1 درصد نسبت به زمان مشابه در سال 2008، دچار تورم منفی شده است. از سال 1960 این نخستین بار بود که اقتصاد ایرلند دچار تورم منفی می‌شد. در کل قیمت کالاهای مصرفی 1/7 درصد در ماه کاهش یافت. وزیر امور مالی ایرلند، طی مصاحبه‌ای به وجود تورم منفی اشاره کرد و این وضعیت را برای کشور نگران‌کننده دانست (نیکخو امیری، 1394: 65).

احتمال وقوع تورم منفی باید در زمان کاهش بودجه مزایای کودک و پرداخت‌های بخش عمومی و هزینه‌های حرفه‌ای ایرلند مدنظر قرار می‌گرفت. به گفته وزیر اقتصاد این کشور، هزینه‌های زندگی ماه‌به‌ماه در این کشور به میزان 6/6 درصد کاهش داشته است.

در کشور ما می‌توان تورم منفی را لابه‌لای تورم‌های سنگین مثبت جست‌وجو کرد. در بحران‌های اقتصادی کشور به‌ویژه در سال‌های 1390 و 1397، دولت با هدف مقابله با تورم‌های سنگین سه‌رقمی، اقدامات ناموفقی انجام داد که در نهایت به شکست حساب‌های قیمتی متأثر از جو روانی افزایش نرخ ارز انجامید و سبب کاهش مقطعی قیمت‌ها شد. در تابستان 1398 و در بجه‌بوجه بحران اقتصادی ناشی از خروج آمریکا از برجام، نرخ ارز حدود 20 درصد و میانگین عمومی قیمت‌ها تا ده درصد کاهش داشتند. قیمت خودرو نیز متأثر از این ریزش بود و بسیاری از دلالتان این حوزه زیان‌های شدید مالی را تجربه کردند. بسیاری از اقتصاددان‌ها به این رویه دولت انتقاد کرده و آن را ناشی از ناکارآمدی در کنترل تورم مثبت دانستند. این مرحله گذرا بود و پس از چند ماه، تورم مثبت دوباره دامن‌گیر کشور شد، اما در همین برهه کوتاه‌مدت، ورشکستگی‌های زیادی در صحنه‌های مختلف رخ داده بود.

4. ارکان مسئولیت مدنی دولت

تا اینجا به معرفی مسئولیت مدنی پرداختیم و تعمیم آن به دولت را شرح دادیم. در مورد تورم منفی نیز توضیحاتی داده شد. در اینجا ارکان مسئولیت مدنی دولت در مورد تورم منفی توضیح داده می‌شود. از نقطه‌نظر ضمان دولت به جبران خسارت ناشی از تغییرات ارزش پول، باید گفت ارکان

مسئولیت مدنی عبارتند از: تقصیر، رابطه سببیت و خسارت؛ اما در جایی که عامل خسارت دولت باشد، برای مسئولیت دولت به جبران خسارت وارده باید قائل به تفکیک شد، چراکه اعمال دولت به دو دسته تقسیم می‌شوند: اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی‌گری. اگر دولت در اعمال تصدی‌گری مرتکب خسارت شود، همانند سایر اشخاص مطابق با قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ملزم به جبران خسارت خواهد بود، اما اگر خسارت وارده ناشی از اعمال حاکمیت دولت باشد، در این صورت مسئولیت مدنی دولت تابع ماده 11 قانون مسئولیت مدنی خواهد بود (عرفانی، 1395: 58).

ماده 11 قانون مسئولیت مدنی به گونه‌ای به موارد مسئولیت دولت در اعمال حاکمیت پرداخته که شامل موارد حصری در این ماده قانونی است. از آنجاکه در ماده 8 قانون مدیریت خدمات کشوری امور حاکمیتی دولت تبیین شده و سیاست‌گذاری در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جزء امور حاکمیتی محسوب شده‌اند، در بررسی ارکان مسئولیت مدنی دولت در قبال تغییرات ارزش پول، چنانچه اقدامات صورت‌گرفته از سوی دولت در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، منجر به تغییر ارزش پول ملی شده باشد و این اقدامات جنبه حاکمیتی داشته باشند، مسئولیت دولت تحت ماده 11 قانون مسئولیت مدنی قابل بررسی خواهد بود (بهادرانی، 1390: 98).

توجه به این نکته ضروری است که اعمال حاکمیت در سیاست‌گذاری اقتصادی باید مطابق قوانین و اختیارات قانونی دولت و با توجه به مصالح کشور صورت پذیرد و به نفع مصالح عمومی باشد؛ برای مثال، دولت برای جلوگیری از افزایش نقدینگی ناشی از خلق پول توسط بانک‌های تجاری، می‌تواند نرخ سپرده قانونی را افزایش دهد یا به انتشار اوراق قرضه روی آورد، اما اگر سیاست‌گذاری اقتصادی را با اقداماتی برخلاف قانون یا اختیارات قانونی انجام دهد، نمی‌توان این اقدامات را تحت عنوان اعمال حاکمیت تلقی کرد و دولت را از مسئولیت مدنی مصون دانست. در چنین حالتی به دلیل تخلف از قانون، دولت مرتکب تقصیر شده و در نتیجه یکی از ارکان مسئولیت مدنی ایجاد شده است (بهادرانی، 1390: 98).

در صورت نقض قانون از سوی دولت، در برابر خسارت وارده مسئول و ضامن است و مکلف به جبران خسارت خواهد شد. برای مثال اگر قانون دولت را از استقراض از بانک مرکزی منع کرده باشد، در این صورت دولت نمی‌تواند پیش از کسب مجوز قانونی تحت عنوان سیاست‌گذاری

اقتصادی اقدام به استقراض از بانک مرکزی کند و در صورت نیاز به منابع مالی می‌تواند از سایر راه‌ها از جمله انتشار اوراق قرضه اقدام کند.

5. بررسی خسارت وارده به واسطه تورم منفی

همان‌طور که بیان شد، خسارت اصلی تورم منفی آن است که کسب‌وکارهای سرمایه‌ای، از بابت کاهش ارزش سرمایه متضرر شده و ممکن است کسب‌وکارها به تعطیلی بکشند. کاهش نقدینگی در بنگاه‌های ورشکسته تقاضا برای خرید کالا در کل کشور را کاهش می‌دهد و به واسطه آن، زیان اقتصادی قابل‌توجهی به کل جامعه وارد می‌شود. در بررسی این مهم که منبع خسارت کجاست، می‌توان در نگاه اقتصادی تورم منفی را عامل آن دانست، اما اینکه تورم منفی چگونه ایجاد شده است، به رابطه سببیت مرتبط است که می‌توان برای آن مسئول مشخص کرد، ولی زیان‌دیدگان اصلی از این مسئله، کسب‌وکارهای سرمایه‌ای هستند و معمولاً مشاغل خدماتی از این شرایط سود می‌برند (ایزانلو و فولادگر، 1392: 205).

بخشی از خسارت‌های وارده به واسطه تورم‌های منفی و مثبت (به صورت کلی تغییرات ارزش پول ملی)، به تحریم‌ها بازمی‌گردد که با توجه به قاعده احسان، می‌توان ضمان ناشی از خسارت وارده را برطرف ساخت. برای این منظور نیاز است قاعده نفی سبب بررسی شود. این قاعده فقهی هرگونه تسلط کافر بر مسلمان را ممنوع می‌کند. برای اثبات این اصل، به آیه 141 سوره نساء استناد شده است (مقدس اردبیلی، 980 ق: 342). جایز نبودن ولایت غیرمسلمان بر مسلمان، ساقط شدن حق قصاص غیرمسلمان، جایز نبودن ازدواج غیرمسلمان با مسلمان و عدم ثبوت حق شفعه برای غیرمسلمان، از مواردی است که در آن‌ها به قاعده نفی سبب استناد می‌شود. سلطه دشمن بر جامعه اسلامی و مسلمانان از نظر فقه اسلامی، امری نارواست و هرگونه ارتباطی که سبب افزایش و گسترش نفوذ غیرمسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی شود - به‌گونه‌ای که اسباب دخالت آنان در امور مسلمین شود، ممنوع تلقی می‌شود (آشتیانی، 1403 ق: 651).

فقه‌های اسلامی برای حفظ عزت و عظمت مسلمانان با استناد به آیات قرآن کریم و روایت‌های معصومان (ع) قاعده‌ای فقهی‌ای را به‌عنوان نفی سبب تأسیس کرده‌اند که بر اساس آن باید راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی

مسدود شود. از نظر سیاسی نپذیرفتن تحت‌الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهای اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است و از نظر نظامی نیز تسلط بر مقدرات و تدبیر نظامی را شامل می‌شود. این قاعده بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی مسلمانان در حفظ استقلال سیاسی و ازین‌بردن زمینه‌های وابستگی است (موسوی خمینی، 1392: 54). بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران تصمیم به استقلال کامل گرفت که همین امر به درگیری‌هایی با غرب منتهی شد و در نهایت جنگ اقتصادی ضربه‌هایی به نظام اقتصادی کشور وارد ساخت که عمده آن کاهش ارزش پول ملی کشور، و در بخش کوچک‌تر و مقطعی، تورم منفی بود. بر این اساس می‌توان خسارت وارده به واسطه تورم منفی را که به علت تحریم‌ها ایجاد شده‌اند، به موجب قاعده احسان، فاقد ضمان دولت و حکومت دانست، چراکه حکومت اسلامی به حکم قاعده نفی سیل، به مبارزه با نظام سلطه پرداخته است (مرعشی، 1395: 67).

1-5. بررسی رابطه سببیت در تورم منفی

سبب تورم منفی، کاهش نسبت نقدینگی به کالاهای موجود در جامعه است. دولت به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی در این مورد اختیاراتی دارد. همان‌طور که بیان شد، در کشور ما تورم‌های منفی در لابه‌لای تورم‌های سنگین مثبت ایجاد شده‌اند. بر اساس نظریه‌های اقتصادی، دولت باید در کوتاه‌مدت نسبت به کاهش رشد قیمت‌ها اقدام کند، در غیر این صورت ساختار اقتصادی بر اساس قیمت‌های جدید شکل گرفته و کاهش قیمت‌ها با فاصله زمانی از آغاز تورم مثبت، به معنای تورم منفی خواهد بود. در این باره می‌توان به مسئولیت تورم مثبت نیز اشاره کرد، چراکه سبب ایجاد تورم منفی در اینجا، تورم مثبت بوده است. اتکای فراوان دولت به درآمدهای نفتی، وام‌گیری از بانک مرکزی، فقدان استقلال بانک مرکزی، هزینه‌های اضافه دولت و غیره علل بروز تورم مثبت هستند که دولت در ایجاد آن نقش دارد؛ از این رو به واسطه زاییده‌شدن تورم منفی در دل تورم مثبت، می‌توان سبب این واقعه را دولت دانست (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، 1395: 76)، اما در برخی تورم‌های سنگین همچون سال‌های 1390 و 1397 می‌توان به مسئولیت‌های حکومتی دولت اشاره کرد.

بر اساس سیاست‌های کلان کشور، نفی امپریالیسم و مبارزه با نظام سلطه به زبان ساده استقلال کشور ما را تضمین می‌کند. در راستای اجرای این سیاست‌ها کشور درگیر جنگ اقتصادی شد و ضربه‌های سنگین تورمی به نظام اقتصادی وارد شد. پس می‌توان بخش زیادی از مشکلات تورمی کشور را برخاسته ساز جنگ اقتصادی دانست. در اینجا سببیت حکومت می‌تواند تحت قاعده فقهی احسان قرار گیرد. در وضعیت کنونی جهان، نظام سلطه حاکم بوده و استقلال از اکثریت کشورها سلب شده است. بنا به اختیارات حاکم اسلامی، توصیه دین مبین اسلام به استقلال کشور و همچنین قاعده نفی سیل، کشور ما هزینه این استقلال را به شکل تحریم‌های اقتصادی می‌پردازد. به موجب قاعده احسان، چنین خسارتی به کشور به واسطه نیت خیر مدنظر حکومت برای کل کشور بوده است. دولت نیز موظف به اجرای سیاست‌های حکومتی است و مسئولیت سببی تورم‌های مثبت و منفی که در این جنگ اقتصادی ایجاد شده است، از دولت سلب می‌شود. قاعده لاضرر را نیز می‌توان مرتبط با این حوزه دانست؛ چراکه هزینه تسلیم از هزینه تحریم اقتصادی به مراتب سنگین‌تر است و می‌توان به حکم قاعده لاضرر، راهی را که زیان کمتری داشته انتخاب کرد؛ از این رو تصمیم حکومت به ادامه سیاست ضدامپریالیسم ستودنی است. این قواعد فقهی که استقلال کشور را مقدم بر هر چیز می‌شمارند در قانون اساسی کشور منعکس شده‌اند (مقدمه، اصول 2، 43، 152، 153) و مسئولیت‌های حکومت را بر شمرده‌اند؛ از این رو از این نظر مسئولیت مدنی متوجه دولت نیست، اما همان‌طور که گفته شد، علل تغییرات ارزش پول ملی تنها تحریم‌ها نیست بلکه قصوراتی نیز صورت گرفته است.

بانک مرکزی بر اساس ماده 11 قانون پولی و بانکی، وظیفه نظارت بر بانک‌های تجاری و مؤسسه‌های اعتباری را بر عهده داشته و باید بر تناسب و هماهنگی میان عرضه کل و حجم نقدینگی و خلق پول توسط بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری نظارت می‌کرد، اما گاه به دلیل فقدان نظارت صحیح، تعادل بین عرضه و تقاضا به هم خورده و به صورت مقطعی تورم‌های منفی مشاهده می‌شود؛ از این رو دولت به واسطه این سبب مسئول است. از سویی دولت نیز وظیفه داشته تا بر اساس ماده 26 قانون پولی و بانکی، در مقابل زیان‌های احتمالی ناشی از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی، اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین صادر و به بانک مرکزی تسلیم کند تا از تغییرات ارزش پولی جلوگیری کند، ولی دولت از این وظیفه قانونی سرباز زده و مرتکب ترک فعل شده است؛ در نتیجه تقصیر دولت نیز وجود دارد.

فقدان مبارزه قاطع دولت با مفسدان اقتصادی نیز از دیگر اسباب تغییرات ارزش پول ملی است که در مقابل آن مسئولیت دارد. هرچند مبارزه با جرایم بر عهده قوه قضاییه گذارده شده است، اما این دولت است که باید ضمن همکاری مستمر با قوه قضاییه نسبت به تحقیقات این حوزه اقدام کند تا غارت‌کنندگان بیت‌المال سریع‌تر به سزای عمل خود برسند؛ از این رو سببیت خسارت در اینجا برای دولت آشکار بوده و در این مورد مسئولیت مدنی دارد.

2-5. تقصیر در ایجاد تورم منفی

تورم منفی گاه به واسطه نبود نظارت بر تولید اتفاق می‌افتد. چه بسیار کشاورزانی که با رنج و زحمت به تولید محصولات اقدام کرده و به واسطه سیاست‌های اشتباه دولت، قیمت آن در پایان سال به مقداری بسیار کمتر از حد انتظار می‌رسد. فرهنگ اقتصادی غلطی نیز حاکم است که محصول خارجی را بهتر از محصول ایرانی می‌داند. دولت وظیفه فرهنگ‌سازی در جامعه از جمله فرهنگ‌سازی اقتصادی از طریق ارائه اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز را با استفاده از ابزارهای آموزشی همچون آموزش و پرورش، آموزش عالی و رسانه‌های جمعی همچون صداوسیما، بر عهده دارد. کوتاهی دولت در این وظیفه سبب شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی کاذب و مخرب اقتصادی در جامعه خواهد شد که به نوعی می‌توان دولت را مسئول آن دانست. تقصیر دولت در فرهنگ‌سازی صحیح استفاده از کالای داخلی، به موجب قواعد فقهی تقصیر و اتلاف، و همچنین قوانین اساسی و مسئولیت مدنی مستوجب مسئولیت مدنی برای دولت در قبال خسارات وارده از بابت تورم منفی است (نیکخواه‌امیری، 1394: 98).

یکی دیگر از علل ایجاد تورم منفی، افزایش درآمدهای نفتی و وابستگی دولت بدان است. با وجود سیاست‌های حکومتی که کاهش وابستگی دولت به منابع نفتی را توصیه کرده و همواره مورد توصیه رهبر انقلاب بوده است، دولت در این باره اقدام جدی انجام نداده است و وابستگی به درآمدهای نفتی همواره عامل تورم‌های مثبت و منفی بوده است. دولت با تبدیل دلارهای حاصل از فروش نفت به ریال توسط بانک مرکزی، بخش عمده بودجه کشور را تأمین می‌کند. این اقدام دولت سبب افزایش پایه پولی خواهد شد که در نهایت به افزایش نقدینگی و در ادامه به کاهش ارزش پول خواهد انجامید. با بیشتر شدن درآمدهای نفتی، ارزش دلار در مقابل ریال کاهش می‌یابد. برای جلوگیری از آثار سوء

تزریق عواید ناشی از فروش نفت در اقتصاد، دولت باید سیاست اقتصاد بدون نفت را در دستورکار قرار دهد، ولی در طول چهار دهه گذشته به جای کاهش هزینه‌های دولت در بودجه، همواره شاهد افزایش بخش‌ها و آغاز پروژه‌های جدید توسط دولت در کشور بوده‌ایم که نیاز دولت را به درآمدهای نفتی بیشتر کرده است؛ از این رو دولت در مقابل این قصور و کوتاهی مسئولیت دارد.

از دیگر تقصیرهای دولت در بروز تورم منفی، نبود مبارزه قاطع با قاچاق کالا است که همکاری مناسب میان نیروی انتظامی، قوه قضاییه و دولت را می‌طلبد. قاچاق کالا با ورود کالا خارج از مبادی قانونی و بدون پرداخت گمرک، کالای خارجی را با قیمت پایین‌تر از داخل کشور، وارد بازار می‌کند و در نتیجه گوی رقابت با تولیدات داخلی را می‌رباید. این رویه به سبب کاهش قیمت‌ها (تورم منفی) سبب ورشکستگی صنعتگران و تولیدکنندگان داخلی شده است و وابستگی کشور را به تولیدات خارجی افزایش می‌دهد؛ بنابراین دولت وظیفه دارد برای مراقبت از آثار سوء اقتصادی ناشی از قاچاق مانند تورم و تغییر ارزش پول، و نیز در راستای نیل به امنیت اقتصادی و حمایت از تولید داخلی، به منظور جذب سرمایه‌گذاری و رونق تولید در کشور با جدیت هرچه تمام‌تر با پدیده قاچاق مبارزه کند، ولی به دلیل فساد اداری موجود در سیستم گمرک و نیروهای مرزبانی، همواره شاهد رشد این پدیده مخرب هستیم؛ بنابراین ضعف دولت در جلوگیری از قاچاق می‌تواند یکی از اسباب تغییرات ناگهانی ارزش پول ملی محسوب شود که در بروز تورم منفی نقش دارد.

نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی بحث گسترده‌ای است که به موجب قوانین فقهی در قوانین کشور نیز بازتاب یافته است. در مورد تورم منفی که می‌تواند به زیان مالی کسب‌وکارهای سرمایه‌ای بیانجامد، وضعیت خسارت آشکار است و عده‌ای از این بابت زیان دیده‌اند، اما در مورد سبب واقعه می‌توان بین عوامل تحریمی و سوءمدیریت تفاوت قائل شد. در اظهارنظر دکتر قالیباف ریاست مجلس شورای اسلامی در آذرماه 1399، مشکلات اقتصادی کشور در سطح 35 درصدی به تحریم مرتبط است و مابقی به مسائل سوء مدیریتی بازمی‌گردد. تحریم‌ها موجب تورم‌های کلان مثبت شده است که تلاش برای کنترل آن به تورم منفی موقتی منتهی می‌شود. از آنجاکه تحریم‌ها بخشی از جنگ اقتصادی بوده و هدف نظام اسلامی از ورود به این جنگ، استقلال کشور و نفی سلطه به موجب قواعد فقهی لاضرر و نفی سبیل است، درنهایت می‌توان به موجب قاعده احسان، این عمل حکومت را صحیح دانست، چراکه با هدف احسان به امت اسلامی کشورمان به این کارزار وارد شده است که درنهایت استقلال ملت ارمغان آن خواهد بود. دولت در این باره مسئولیت ندارد، چراکه مجری سیاست‌های حکومتی است، اما دیگر سیاست‌های اشتباه دولت همچون وابستگی به نفت، فقدان مبارزه قاطع با مفاسد اقتصادی و قاچاق کالا می‌تواند موجب تورم منفی شود و از این نظر می‌توان برای دولت مسئولیت مدنی برشمرد. در واقع دولت در اجرای مسئولیت‌هایی که به موجب قانون اساسی به وی داده شده، قصور داشته است و به همین جهت در قبال پیامدهای آن مسئولیت مدنی دارد. توصیه حاکمیت طی سالیان دراز، تلاش جهت وابسته‌نبودن به درآمد نفتی و افزایش تولید داخلی بوده است که متأسفانه به‌خوبی اجرا نشده و از این نظر می‌توان مسئولیت مدنی ناشی از تغییرات ناگهانی ارزش پول ملی را به دولت نسبت داد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

احمد بن محمد (مقدس اردبیلی)، (980 ه.ق)، *زبدة البيان*، تهران: المكتبة الجعفرية لاحياء الآثار الجعفرية، چاپ اول.

اصفهانی، محمدحسین (1374 ه.ق)، *نهایه الدرایه فی شرح الکفایه*، انتشارات سید الشهداء، جلد اول، چاپ دوم.
ایزائلو، محسن؛ فولادگر، فریبا (1392)، «مطالعه تطبیقی ماهیت نفع بیمه‌پذیر در خسارت تورم در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه»، پژوهشنامه بیمه، 29 (3)، 196-221.

ایزدی‌فرد، علی‌اکبر؛ حسین‌نژاد، مجتبی (1395)، *فقه الکترونیک*، تهران: انتشارات الگوی پیشرفت، چاپ اول.
آشتیانی، محمدحسن (1403 ه.ق)، *بحر الفوائد فی شرح الفرائد*، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، جلد اول، چاپ سوم.

بهادرانی، ابراهیم (1390)، *تورم و چالش‌های آن*، تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی، چاپ اول.
جمالیان، امید (1395)، *بررسی فقهی قراردادهای بیمه و تورم‌های مرتبط بدان*، تهران: انتشارات مینوفر، چاپ اول.
حنیفه‌نژاد، لطیف؛ چهره‌نژاد، صغری (1395)، «بررسی فقهی و قانونی خسارت افت ارزش خودرو در قرارداد بیمه بدنه اتومبیل به واسطه تورم»، *دوفصلنامه پژوهش‌های بیمه‌ای*، 1 (2)، 29-60.

دهخدا، علی‌اکبر (1391)، *فرهنگ لغت*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران: چاپ چهارم.

شعبانی، احمد (1390)، *پول، بهره و تورم*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ دوم.

شوکانی، محمد بن علی (1356 ه.ق)، *ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول*، بیجا، بی‌نا.

طباطبایی، سید محمدحسین (1390 ه.ق)، *المیزان*، تهران: دارالکتب الاسلامی، چاپ ششم.

عرفانی، توفیق (1390)، *قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران*، تهران: سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول.

علامه حلی، حسن بن یوسف (1414 ه.ق)، *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ پنجم.

علامه مجلسی، محمدباقر (1037-1110 ه.ق)، *بحار الانوار*، جلد 90، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- عمید، حسن (1391)، فرهنگ لغت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
- غروی نایینی، میرزا محمدحسین، (1401 ه.ق)، فوائد الاصول، قم: انتشارات نشر اسلامی، چاپ دوم.
- فخرالمحققین (760 ه.ق)، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، تهران: نشر اسماعیلیان، چاپ سوم.
- محقق حلی (1391)، شرایع الاسلام، تهران: انتشارات علمی، چاپ چهارم.
- مرعشی، سید محمدحسن (1395)، توضیح المسائل، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ دوم.
- معین، محمد (1391)، فرهنگ لغت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ اول.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (1392)، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه نشر آثار امام، چاپ دوم.
- نیکخو امیری، ناصر (1394)، بررسی فقهی بیمه تورم و ارزش پول ملی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

